

ایران و لابی‌گری در اتحادیه اروپایی: ظرفیت‌ها و سازوکارها

1

محمود جوادی^۱

چکیده: این مقاله درصدد تبیین اهمیت و جایگاه لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی و برآورد ظرفیت‌ها و سازوکارهای حضور ایران در این عرصه بوده و درحقیقت، به دنبال پاسخی برای این پرسش اصلی است که با وجود شکنندگی روابط، چگونه ایران و اتحادیه اروپایی می‌توانند به فهمی مشترک از موضوعات و چالش‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند و روابط دوجانبه را در روندی روبه‌رشد شکل دهند. می‌توان فرضیه نوشتار حاضر را این‌گونه عنوان کرد که ایران ضمن توجه به دو مؤلفه “گفتگو” و “دیپلماسی” با اتحادیه اروپایی، نیازمند بهره‌گیری از مؤلفه “لابی‌گری” در قالب ظرفیت‌های بازیگران غیردولتی نیز هست. با توجه به سطح کنونی روابط و آمار و ارقام موجود، به نظر می‌رسد در وهله نخست، جمهوری اسلامی ایران توانایی بهره‌گیری از ظرفیت اندیشکده‌ها و مؤسسات تحقیقاتی مستقر در اتحادیه اروپایی را دارد، زیرا کارویژه اصلی اندیشکده‌ها، ارائه اطلاعات، راهکارها و توصیه‌های سیاستی به نهادهای اجرایی اتحادیه اروپایی است و همکاری منسجم و هدفمند ایران با اتاق‌های فکر اروپایی به فهم غرب از رفتار ایران و تسهیل همکاری‌ها در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه‌های موضوعی گوناگون کمک خواهد کرد. در پژوهش حاضر برای نشان دادن اهمیت لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی و نقش آن در بهبود روابط ایران و اتحادیه، از نظریه “دسترسی” استفاده شده و به‌لحاظ روش‌شناسی از نوع مطالعه تحلیلی بوده که در آن برای جمع‌آوری اطلاعات از روش اسنادی-کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: لابی‌گری، اتحادیه اروپایی، ایران، بازیگران غیردولتی، مفاهمه

۱. آقای محمود جوادی، دانشجوی دکتری مطالعات اروپا، دانشگاه تهران، (mahmoudjavadi@ut.ac.ir)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۸

مقدمه

روابط ایران و اتحادیه اروپایی از انقلاب اسلامی تاکنون در عین استمرار، همواره دارای فرازونشیب‌های فراوانی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بوده است. باوجود اینکه رویکرد ایران به اتحادیه، عمدتاً اقتصادمحور بوده است، اما طرف اروپایی همواره مسائل سیاسی و هنجاری را از مسائل اقتصادی ارجح دانسته و به همین دلیل، به‌رغم وجود منافع مشترک در موضوعات گوناگون، امکان شکل‌گیری روابط و مناسبات به‌صورت راهبردی وجود نداشته است. به‌علاوه این که طی چند سال اخیر، پرونده هسته‌ای و تحریم‌های اعمالی نیز موجب تنزل شدید روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپایی شد و حتی سطح مبادلات تجاری که عمدتاً در کشاکش اختلافات سیاسی در دوران سازندگی و اصلاحات، دستخوش تغییر نشده بود، شاهد کاهش ۶۵ درصدی در بازه زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ بوده است (European Commission, 9 September 2014). با این حال، روی کار آمدن دولت "تدبیر و امید" در سال ۱۳۹۲ و استقبال دولت‌های اروپایی از این امر موجب شد که دو طرف به سمت حل و فصل پرونده هسته‌ای ایران گام بردارند.

باوجود این که رویکردهای "گفتگو"^(۱) و "دیپلماسی دولتی"^(۲) به فراخور موضوع، طی سالیان متمادی در دستورکار سیاست خارجی ایران نسبت به اتحادیه اروپایی قرار داشته، لکن نتایج مورد انتظار ایران از اتخاذ این دو رویکرد در سه دهه گذشته به دست نیامده است. لذا، حتی در صورت دستیابی به توافق جامع هسته‌ای که مانع اصلی بهبود روابط است، به دلایلی از جمله قرار گرفتن در دو جغرافیای فرهنگی متمایز، فقدان اعتماد، وجود نگاه امنیتی و بدبینی نسبی بین طرفین و از همه اساسی‌تر "عدم درک صحیح و مناسب اتحادیه اروپا از سیاست‌های ایران"، بعید به نظر می‌رسد روابط سیاسی-امنیتی ایران و اتحادیه اروپایی در آینده نیز گسترش و تعمیق یابد که این امر می‌تواند بر روابط تجاری به‌ویژه در عرصه سرمایه‌گذاری اروپاییان در ایران نیز تأثیرگذار باشد.^(۳)

کاهش و رفع این قبیل موانع در شرایطی که امنیت ملی و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در گرو نوعی موازنه‌بخشی سیاست خارجی در تعامل با قدرت‌های مؤثر جهانی از جمله اتحادیه اروپایی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این‌رو، پرسش کلیدی نوشتار حاضر این است که چگونه ایران و اتحادیه اروپایی می‌توانند به فهمی مشترک از چالش‌ها و فرصت‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافته و روابط سیاسی، تجاری و امنیتی خود را بهبود بخشند. فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش اصلی طراحی شده، این است که "در کنار توجه به دو رویکرد

گفتگو و دیپلماسی دولتی، ایران نیازمند بهره‌گیری از لابی‌گری بازیگران غیردولتی (اعم از گروه‌های ذی‌نفوذ و گروه‌های فشار)^(۴) در سطح اتحادیه اروپایی است. استدلال مقاله پیش‌رو آن است که از آنجا که اتحادیه اروپا برای مشروعیت‌بخشی به خود بر مبنای "اجماع‌سازی"، با استفاده از دانش و اطلاعات بازیگران غیردولتی فعال در سطح اتحادیه اقدام به سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری می‌کند، ایران می‌تواند از ظرفیت لابی‌گری بازیگران غیردولتی ایرانی و اروپایی در راستای ایجاد مفاهمه و بهبود روابط سازنده با اتحادیه اروپایی استفاده کند که با توجه به ظرفیت‌های موجود و در راستای تحقق اهداف مذکور، در گام نخست بهره‌گیری از قدرت لابی‌گری اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر اروپایی از اولویت برخوردار است.

در مورد نوآوری پژوهش حاضر باید اشاره کرد که به دلیل مشروعیت و قانونی بودن لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی، پژوهش‌ها، مقالات و نوشته‌های بسیاری در تبیین نظری و عملی لابی‌گری از سوی محققان غربی نوشته شده است، لکن، دو عامل، این پژوهش را از پژوهش‌های انجام‌شده داخلی و خارجی متمایز می‌کند: نخست اینکه، به‌جرات می‌توان گفت هیچ پژوهشی درباره لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپا از سوی محققان داخلی انجام نشده است و تنها فصلی از کتاب ترجمه‌شده "سیاست و حکومت در اتحادیه اروپایی" (۱۳۹۳) به قلم نیل نیوجنت، و فصلی از کتاب تألیفی "اتحادیه اروپایی؛ هویت، امنیت و سیاست" (۱۳۸۸) به اهتمام عبدالعلی قوام و داود کیانی به تبیین نقش گروه‌های ذی‌نفوذ در سطح اتحادیه اروپایی پرداخته‌اند. از سوی دیگر، با بررسی‌های انجام‌شده، هیچ نوشته‌ای از سوی پژوهش‌گران داخلی و خارجی درباره لابی‌گری ایران در سطح اتحادیه اروپایی وجود ندارد. لذا می‌توان مدعی بود، این نوشتار ضمن پیشگامی در پر کردن خلأ موضوعی در سطح جامعه علمی کشور می‌تواند راهکار جدیدی را به صورت علمی و متقن در اختیار مجریان عرصه سیاست خارجی ایران برای بهبود روابط با اتحادیه اروپا قرار دهد.

برای تبیین موضوع و آزمون فرضیه اصلی پژوهش، نوشتار حاضر به پنج بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، چارچوب مفهومی مورد بحث قرار خواهد گرفت و در قالب آن، ضمن تبیین مختصر نظریه "دسترسی"، نقش لابی‌گری در سطح نهادهای اتحادیه اروپایی از این دیدگاه مورد مذاقه قرار خواهد گرفت. بخش دوم به موضوع لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی پرداخته و به اختصار ابعاد تاریخی، جایگاه، اهمیت، بازیگران و قوانین مربوط به لابی‌گری در اتحادیه را مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین، در بخش سوم، با بهره‌گیری از آمارهای موجود، اهمیت و جایگاه بازیگران غیردولتی به‌عنوان لابی‌گران در نهادهای اتحادیه اروپایی مورد واکاوی قرار خواهند گرفت. بخش

چهارم نیز به تحلیل چرایی شکنندگی روابط میان ایران و اتحادیه اروپایی اختصاص داشته و با استفاده از مطالب مطرح شده سعی در ارائه راهکاری معقول برای بهبود روابط طرفین در طولانی مدت شده است. در نهایت در بخش پایانی، جمع‌بندی مباحث ارائه خواهد شد.

۱. چارچوب نظری

مبنای نظری این پژوهش برای تبیین ارتباط میان "لابی‌گری بازیگران غیردولتی" و "شکل‌گیری فهم صحیح اتحادیه اروپایی از رویکردهای کلان ایران" بر نظریه "دسترسی" استوار است. به‌طور کلی، مبحث لابی‌گری و تبیین نقش بازیگران غیردولتی در این عرصه از جمله موضوعاتی است که بسیاری از رویکردهای مفهومی و نظری در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی و روابط بین‌الملل توانایی تبیین آن را دارند. در حوزه اخیر به‌عنوان مثال می‌توان به رویکردهای نوین واقع‌گرایان نوکلاسیکی همچون رایپسمن اشاره کرد. این نسل جدید از واقع‌گرایان با استفاده از ادبیات اقتصاد سیاسی تطبیقی و با محاسبه تأثیر ملاحظات سیاسی داخلی در تلاش هستند نقش افکار عمومی، رسانه‌ها و گروه‌های ذی‌نفع/ذی‌نفوذ/فشار را در شکل‌دهی به سیاست خارجی کشورها تبیین کنند (موسوی شفاغی و اردستانی، ۱۳۹۳: ۲۶۰). از سوی دیگر، رهیافت سازه‌نگاری نیز به دنبال تبیین اهمیت بازیگران غیردولتی در هویت و مشروعیت‌بخشی به نهادهای اجرایی فدرالی همچون کمیسیون اروپا و پارلمان اروپا است. در پی آن، پذیرش بازیگران غیردولتی از سوی این قبیل نهادهای فرادولتی متضمن تثبیت هویت گروه‌های ذی‌نفع/ذی‌نفوذ خواهد شد و این روند دوسویه به مقوله لابی‌گری (دست‌کم در سطح اتحادیه اروپایی) مشروعیت بخشیده است (موسوی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۶).

با این وجود، به نظر می‌رسد آنچه بیش از دیگر الگوهای نظری به ارائه پاسخی صحیح درباره پرسش اصلی این مقاله کمک می‌کند، تدقیق در نظریه "دسترسی" باشد. علت اتخاذ این چارچوب نظری در تبیین موضوع پژوهش در این نکته نهفته است که بازیگران غیردولتی همچون بنگاه‌های اقتصادی، سازمان‌های مردم‌نهاد، اندیشکده‌ها و رسانه‌ها از یک سو و نهادهای مؤثر اتحادیه اروپایی از سوی دیگر، بازیگرانی منطقی، هدفمند و اقتصادی در نظر گرفته شده‌اند که از طریق تعامل با یکدیگر همواره در تلاش برای افزایش مطلوبیت و نیل به منافع خود هستند (Klüver, 2013: 25). این تعامل به این صورت شکل می‌گیرد که بازیگران غیردولتی با ارائه کالاهایی مشخص به نهادهای اجرایی (همچون نهادهای اتحادیه اروپایی)، امکان دسترسی به فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری را برای آن‌ها فراهم می‌کنند. آدام چالمرز "کالاهای مشخص" را مترادف با

"اطلاعات" ^۱ در نظر می‌گیرد که نهادهای مهم اتحادیه اروپایی به در اختیار داشتن آن‌ها نیاز مبرم دارند و از این‌رو، وی لابی‌گری در سطح اتحادیه را "لابی‌گری اطلاعاتی" نام نهاده است (Chalmers, 2011: 475). پیتر بون نیز از "کالاهای مشخص" با تعبیر دقیق‌تر "کالاهای دسترسی" یاد کرده و این‌گونه بیان می‌کند که در ازای دسترسی به نهادهای اتحادیه اروپایی، بازیگران غیردولتی باید مبادرت به ارائه کالاهایی مشخص کنند و وی "اطلاعات" را مبنای تمامی کالاهای دانسته است (Bouwen, 2002: 369).

آنچه بیش از پیش اهمیت "اطلاعات" را در سطح نهادهای اتحادیه اروپایی مشخص می‌کند، فقدان تخصص‌گرایی در سطح اتحادیه است. کمیسیون اروپا، به‌عنوان مؤثرترین نهاد اجرایی اتحادیه، صرفاً با برخورداری از یازده‌هزار نفر کارشناس، فاقد قدرت و نیروی انسانی لازم برای سیاست‌گذاری است. از این‌رو، کمیسیون اروپایی با بازیگران غیردولتی که دارای حوزه‌های کاری تخصصی بوده و به‌واسطه تجربه و اطلاعات خود قادر به ارائه مشاوره و راهکار به کمیته‌های مختلف این کمیسیون هستند، ارتباط و تعامل برقرار می‌کند (European Commission, 2014: 21). بازیگران غیردولتی نیز از این فرصت استفاده کرده و با توجه به منابع و ظرفیت‌های خود اقدام به تأثیرگذاری بر پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح نموده و حتی طرح‌ها و پیشنهادهایی را به کارگروه‌های تخصصی فعال در نهادهای اتحادیه ارائه می‌کنند.

توجه به این نکته ضروری است که تعامل میان کنش‌گران غیردولتی (اعم از گروه‌های فشار و گروه‌های ذی‌نفوذ) و نهادهای تصمیم‌گیر در سطح اتحادیه اروپایی تنها معطوف به گروه‌های داخلی نبوده، بلکه کشورها و موجودیت‌های غیراروپایی نیز با بهره‌گیری از ابزار لابی‌گری در فرایند قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری اتحادیه اروپایی اعمال نفوذ می‌کنند (European Commission, 2014: 20). در واقع، اتحادیه اروپایی هم‌زمان خواستار دستیابی به اطلاعات و رای‌مرزهای خود بوده و دولت‌های غیرعضو در اتحادیه نیز مترصد فرصتی برای تأثیرگذاری بر روند تصمیمات نهادهای اصلی اتحادیه اروپایی هستند. این نیاز دوسویه باعث شده است که کشورهای دیگر در حوزه‌های موضوعی گوناگون به‌صورت فعالانه در سطح اتحادیه اروپایی لابی کرده و در مقابل، اتحادیه نیز از این روند که نه‌تنها منجر به دسترسی به اطلاعات شده، بلکه هویت و مشروعیت بین‌المللی به نهادهای فراملی اتحادیه اروپا بخشیده است، استقبال کند.

1. Information
2. Informational Lobbying

از آنچه ذکر شد، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی ایران علاوه بر پیگیری سیاست‌های مذاکره‌ای و گفتگویی خود با اتحادیه اروپایی، نیاز به بهره‌گیری از بازیگرانی غیردولتی دارد که ظرفیت و توانمندی ارائه تصویری منصفانه و واقع‌بینانه از مواضع و رویکردهای ایران در سطح منطقه و بین‌الملل را داشته باشند. به عبارت دیگر، بر مبنای نظریه "دسترسی"، مادامی که نهادهای تصمیم‌گیر در سطح اتحادیه از اطلاعات و دانش صحیح درباره فعالیت‌های ایران آگاهی نداشته باشند، تصویر درستی از ایران در سطح اتحادیه اروپایی ترسیم نشود و همواره از سوی گروه‌های ذی‌نفوذ و رسانه‌های ضدایرانی تغذیه فکری شوند، نمی‌توان شکل‌گیری، بهبود، گسترش و تعمیق روابط در حوزه‌های گوناگون حتی در عرصه اقتصادی را شاهد بود. جمهوری اسلامی ایران نیازمند "لابی‌گری اطلاعاتی" در سطح اتحادیه اروپایی است و از میان بازیگران غیردولتی به رسمیت شناخته‌شده از سوی کمیسیون اروپا، تنها کنش‌گری که ظرفیت تصویرسازی داشته و کارویژه اصلی آن ارائه "اطلاعات" و تغذیه فکری بدنه تصمیم‌گیر در اتحادیه اروپایی است، اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر اروپایی هستند. حال پرسشی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که لابی‌گری چگونه به درک اتحادیه اروپایی از رفتارهای ایران منجر خواهد شد؟ پرسشی که پاسخ به آن در ادامه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۲. لابی‌گری در اتحادیه اروپایی

نیل نیوجنت در بیان وسعت لابی‌گری در سطح بروکسل، مقر اتحادیه اروپایی، از تعبیر "شهر بیشترین لابی‌ها" استفاده می‌کند و می‌نویسد: "ممکن نیست بتوان شمار دقیق لابی‌گران در بروکسل را تعیین کرد. نه به این دلیل که بسیاری از آن‌ها به این فعالیت به‌عنوان یک کار تمام‌وقت نمی‌نگرند، بلکه از آنجا که به‌عنوان حقوق‌دان، حسابدار، تاجر و امثال آن مشغول به کار هستند و تا حدی به این دلیل که آنهایی که واقعاً لابی‌گران تمام‌وقت هستند، ترجیح می‌دهند خود را مشاور یا متخصص در سیاست‌ها معرفی کنند. به‌هرحال، برآورد معمول بین ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر فعال^(۵) به‌عنوان "لابی‌گران بروکسل" شاخصی است که می‌تواند میزان فعالیت در این حوزه را نشان دهد" (Nugent, 2010: 245).

تاریخ شکل‌گیری صنعت لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی با گردش مالی ۱/۳ میلیارد دلاری در سال (Bosen, 18 February 2013)، به پایان دهه ۱۹۷۰ بازمی‌گردد که متأثر از عوامل درونی و بیرونی فراوانی بوده است. انتخاب مستقیم نمایندگان پارلمان اروپایی از سوی مردم و تفویض برخی اختیارات ملی به سطح فراملی در قالب

جامعه اروپایی در دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان مهم‌ترین عوامل درونی و عقب ماندن اتحادیه از رقابای سنتی خود (ایالات متحده آمریکا و ژاپن) در عصر جهانی‌شدن به‌عنوان بارزترین عامل بیرونی، (Coen, 2007: 3) موجب شد که بازیگران غیردولتی در عرصه‌های مختلف روی کار آمده و برای تأمین حداکثری منافع خود با بهره‌گیری از بنگاه‌های لابی‌گری به اعمال نفوذ در سطح کمیسیون، پارلمان اروپایی و حتی شورای وزیران مبادرت ورزند.

نخستین فعالیت لابی‌گری غیردولتی در سطح اتحادیه اروپایی از سوی گروهی با عنوان "میزگرد اروپایی صنعتگران"^۱ متشکل از ۱۷ مدیرعامل شرکت‌های بزرگ اروپایی در سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ انجام شد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، اقتصاد اروپایی در آن دوران دچار نوعی رکود شد؛ به‌گونه‌ای که فاقد پویایی، رقابت‌پذیری و نوآوری در مقایسه با رقابای سنتی خود بود. این امر منجر به آن شد که صاحبان صنایع برتر اروپایی با نگرانی از موقعیت کنونی خود، با بهره‌گیری از نهادهای فراملی اتحادیه اروپایی در ۷ آوریل ۱۹۸۳ به میزبانی مدیرعامل شرکت سوئدی "ولوو" دور هم جمع شده و به رایزنی برای بهبود رقابت‌پذیری صنایع اروپایی در سطح بین‌المللی پردازند. این گروه ذی‌نفوذ که در حال حاضر نمایندگی منافع ۴۹ شرکت چندملیتی اروپایی^(۶) را برعهده دارد، در دو سطح ملی و فراملی به ارائه نظرات و طرح‌های خود می‌پردازد که ادعا می‌شود بخش عمده طرح‌های آن‌ها عیناً توسط دولت‌های ملی و کمیسیون اروپایی مطرح و تصویب می‌شود. در حال حاضر، این گروه ذی‌نفوذ در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۱۴ با انتشار برنامه‌ای پنج‌ساله با عنوان "دستورکار برای اقدام: ۲۰۱۹-۲۰۱۵" به‌طور غیرمستقیم به اعمال قدرت خود بر نهادهای مؤثر اتحادیه اروپایی در قالب ارائه راهکار و توصیه در راستای بهبود اقتصاد بحران‌زده اتحادیه اروپایی در فضای رقابتی نظام اقتصاد جهانی پرداخته است (European Round Table of Industrialists, 2014).

از حیث آمار، حضور حدود شش‌هزار بنگاه لابی‌گری و دست‌کم سی‌هزار لابی‌گر (Traynor, 8 May 2014) در بروکسل که تقریباً با تعداد کارمندان کمیسیون اروپایی برابری می‌کند (European Commission, 26 February 2015) نشان‌دهنده ارزش قابل توجه و فزاینده لابی‌گری برای تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منافع گروه‌های ذی‌نفوذ در سطح اتحادیه اروپایی است. باوجود این که لابی و لابی‌گری امری مشروع در نظام‌های دموکراتیک غربی بوده و اتحادیه همچون ایالات متحده آمریکا

1. European Round Table of Industrialists

مصمم به سامان‌دهی و نظام‌مند کردن این گروه‌های لابی است، نقشی که لابی‌ها در فرایند سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری در کمیسیون و پارلمان اروپایی ایفا می‌کنند، غیرقابل‌انکار و درخور توجه است. براساس برآوردهای سازمان‌های نظارتی، بنگاه‌های لابی‌گری از طریق ارائه اطلاعات، مشاوره، پیشنهاد و راهکار به نمایندگان پارلمان و کمیسیون‌ها بر ۷۵ درصد از قوانین مصوب اعمال نفوذ داشته‌اند. استمرار این روند در حال حاضر نگرانی‌هایی به وجود آورده است مبنی بر این که منافع و خیر جمعی، قربانی منافع شخصی و گروهی صاحبان قدرت و ثروت شده است؛ از این رو، کمیسیون اروپایی در ۹ نوامبر ۲۰۰۵ طرحی را با عنوان "شفافیت اروپایی" در دستورکار خود قرار داد. این طرح همه افراد حقیقی و حقوقی که قصد ارائه مشاوره به نهادهای تقنینی و اجرایی اتحادیه اروپایی را دارند، ملزم به ثبت قانونی فعالیت‌های خود می‌کند (Eising & Lehringer, 2010: 195). طرح مذکور پس از بررسی ابعاد آن در کارگروه‌های متفاوت، در ژوئن ۲۰۱۱ به صورت آزمایشی وارد فاز اجرایی شد و در حال حاضر پارلمان خواستار آن است که این طرح تا سال ۲۰۱۷ اجباری شود. تأکید بر تصویب طرح کمیسیون مبنی بر شفاف‌سازی فعالیت‌های بنگاه‌های لابی‌گری از سوی پارلمان اروپایی در راستای رفع نگرانی‌های به وجود آمده بوده است (Euractiv, 16 April 2014).

اقدام مشترک "کمیسیون اروپایی" و "پارلمان اروپایی" در قانونی ساختن لابی‌گری در سطح اتحادیه را صرفاً نباید از حیث هویت‌خواهی و مشروعیت‌زایی برای اتحادیه نگریست؛ زیرا مشروعیتی که اتحادیه اروپایی به بنگاه‌های لابی‌گری به منظور تأمین منافع بازیگران غیردولتی اعطا کرده است، ناشی از فقدان تخصص در سطح نهادهای اتحادیه نیز می‌باشد؛ به این معنی که کمیسیون اروپایی، به عنوان مؤثرترین نهاد اجرایی اتحادیه، صرفاً با برخورداری از یازده هزار نفر کارشناس، فاقد قدرت و نیروی انسانی لازم برای سیاست‌گذاری است. از این رو، کمیسیون اروپایی با بازیگران غیردولتی که دارای حوزه‌های کاری تخصصی بوده و به واسطه تجربه و اطلاعات خود قادر به ارائه مشاوره و راهکار به کمیته‌های مختلف این کمیسیون هستند، ارتباط و تعامل برقرار می‌کند (European Commission, 2014: 21). بازیگران غیردولتی نیز از این فرصت استفاده کرده و با توجه به منابع و ظرفیت‌های خود اقدام به تأثیرگذاری بر پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح نموده و حتی طرح‌ها و پیشنهادهایی را به کارگروه‌های تخصصی فعال در نهادهای اتحادیه ارائه می‌دهند.

۳. لابی‌گری بازیگران غیردولتی در سیاست‌گذاری اتحادیه اروپایی

همان‌گونه که اشاره شد، از بازیگران غیردولتی به‌عنوان لابی‌گران در سطح نهادهای تصمیم‌گیر اتحادیه اروپایی یاد شده است و به‌ناچار هرگونه موجودیت اروپایی و غیراروپایی همچون کشورها، مناطق، سازمان‌ها و امثال آن باید از طریق این قبیل بازیگران غیردولتی به تحصیل منافع خود اقدام کنند. در واقع، همکاری نهادهای مؤثر در اتحادیه اروپایی با بازیگران غیردولتی، با هدف افزایش مشروعیت و کارآمدی این اتحادیه، بخش و جزئی از سیاست‌گذاری اتحادیه در حوزه‌های موضوعی مختلف بوده است (Saurugger, 2010: 475).

آمارهای موجود در سامانه اینترنتی مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی بیان‌گر این است که تا ۲ خرداد ۱۳۹۴ (۲۳ مه ۲۰۱۵) بالغ بر ۷/۵۶۶ بازیگر غیردولتی وابسته و مستقل در این سامانه ثبت‌نام کرده و کد فعالیت دریافت نموده‌اند تا از این طریق امکان دسترسی به کارشناسان، نمایندگان و مقامات اتحادیه اروپایی را به‌صورت قانونی داشته باشند.^(۷)

جدول شماره ۱. شمار گروه‌های لابی‌گر قانونی تا ۲ خرداد ۱۳۹۴

نسبت به کل (درصد)	تعداد	حوزه فعالیت گروه‌های لابی‌گر
۵۰/۸	۳/۸۴۳	۱. تشکیلات اقتصادی، تجاری و بازرگانی
۲۵/۳	۱/۹۱۳	۲. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)
۱۱/۹	۹۰۳	۳. سازمان‌های مشاوره‌ای در موضوعات تخصصی و سیاست‌های عمومی/شرکت‌های حقوقی
۶/۸	۵۱۵	۴. اندیشکده‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و آموزشی
۴/۷	۳۵۴	۵. سازمان‌های غیردولتی مرتبط با ادارات محلی، منطقه‌ای و شهری
۰/۵	۳۸	۶. سازمان‌های غیردولتی مرتبط با کلیساها و جوامع دینی
۱۰۰	۷/۵۶۶	جمع کل

Source: European Commission, 23 May 2015

نکته قابل‌توجه این که ثبت‌نام گروه‌های لابی‌گر غیردولتی در پورتال مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی، فقط به گروه‌های اروپایی محدود نمی‌شود و کشورهای مختلف با توجه به ظرفیت‌ها و منافع خود در اتحادیه اقدام به ثبت‌نام و دریافت کد

فعالیت می‌کنند تا از این طریق دسترسی قانونی به نهادهای تصمیم‌گیر و مقامات و کارشناسان آن در اتحادیه را داشته باشند.

جدول شماره ۲. شمار گروه‌های غیراروپایی ثبت‌شده در پورتال مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی تا ۲ خرداد ۱۳۹۴^(۸)

کشور	تعداد
ایالات متحده آمریکا	۲۳۹
کانادا	۲۱
ترکیه	۱۵
اسرائیل	۷
هند	۷
روسیه	۷
امارات متحده عربی	۵
پاکستان	۴
عراق	۳
جمهوری آذربایجان	۳
چین	۲
قطر	۱

Source: European Commission, 23 May 2015

با نگاهی دقیق‌تر به اسامی و سوابق گروه‌های ذی‌نفوذ غیراروپایی، این نکته روشن می‌شود که بسیاری از این گروه‌ها و شرکت‌ها همچون "گازپروم" روسیه، "خط هوایی امارات" و "خط هوایی قطر" و امثال آن از حمایت دولت متبوع خود برخوردار بوده و این تصور را به اذهان متبادر می‌کند که دولت‌ها در تشویق شرکت‌های خود به لابی‌گری در سطح اتحادیه به‌منظور نیل به منافع و اهداف عمدتاً اقتصادی، ابتکار عمل را در دست دارند.

از سوی دیگر، همان‌گونه که انتظار می‌رود، دولت‌های عضو اتحادیه اروپایی نیز حضور بسیار گسترده‌ای در عرصه لابی‌گری در اتحادیه اروپایی دارند، به‌گونه‌ای که از ۷/۵۶۶ بازیگر ثبت‌شده در پورتال مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی تنها ۶۴۱ مورد

از آن‌ها اختصاص به کشورهای غیرعضو در اتحادیه اروپایی داشته و بقیه آن‌ها که بالغ بر ۶/۹۲۵ گروه ذی‌نفوذ می‌باشند، در کشورهای عضو اتحادیه اروپایی مستقر هستند.

جدول شماره ۳. شمار گروه‌های لابی‌گر غیردولتی اروپایی ثبت‌شده در پورتال مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی تا ۲ خرداد ۱۳۹۴

کشور	تعداد
آلمان	۸۹۵
فرانسه	۷۸۵
بریتانیا	۷۸۶
ایتالیا	۵۷۳
اسپانیا	۴۴۷
هلند	۳۷۵
سوئد	۱۳۰
دانمارک	۱۲۵
لهستان	۹۴

Source: European Commission, 23 May 2015

علاوه بر آمار رسمی بالا که بیان‌گر حضور گسترده و قابل توجه بازیگران غیردولتی اروپایی و غیراروپایی به‌عنوان لابی‌گر در سطح اتحادیه اروپایی است، مؤسسه‌های خصوصی نیز ارزیابی‌هایی سالانه از نقش و تأثیرگذاری لابی‌گری بازیگران غیردولتی بر تصمیمات نهادهای اتحادیه اروپایی منتشر می‌کنند. به‌عنوان مثال، مؤسسه روابط عمومی "بورسن مارستیلیر"^۱ در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۳ با نظرسنجی از حدود ۶۰۰ سیاست‌گذار دولت‌های اروپایی و مقامات اتحادیه اروپایی، گزارش‌هایی با عنوان "راهنمایی برای لابی‌گری مؤثر در اتحادیه اروپایی؛ دیدگاه سیاست‌گذاران" را منتشر کرده است. نمونه‌هایی از پرسش‌ها و جمع‌بندی پاسخ‌های ارائه‌شده در جدول شماره^(۴) آمده است.

1. Burson-Marsteller

جدول شماره ۴. ارزیابی سیاست‌گذاران اروپایی از لابی‌گری در اتحادیه اروپایی

پرسش: کدام یک از موارد زیر به‌عنوان بهترین نمود عینی یک "لابی‌گر" است؟		
گزینه‌ها	سال ۲۰۰۹ (به درصد)	سال ۲۰۱۳ (به درصد)
تشکیلات تجاری	۶۱	۶۶
اتحادیه‌های تجاری	۴۶	۴۰
سازمان‌های مردم‌نهاد	۵۰	۵۱
اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی	۲۷	۳۰
شرکت‌های حقوقی	۲۴	۲۷
پرسش: تأثیرگذاری هریک از موارد زیر چند درصد است؟		
گزینه‌ها	سال ۲۰۰۹	سال ۲۰۱۳
تشکیلات تجاری	۶۵.۵	۶۲
اتحادیه‌های تجاری	۶۱.۶	۵۱
سازمان‌های مردم‌نهاد	۵۹.۹	۴۶
اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی	۵۳.۹	۳۳
شرکت‌های حقوقی	۵۱.۸	۲۵
پرسش: از حیث لابی‌گری، شفافیت عملکرد هریک از موارد زیر چند درصد است؟		
گزینه‌ها	سال ۲۰۰۹	سال ۲۰۱۳
تشکیلات تجاری	این پرسش در سال ۲۰۰۹ مطرح نشده است	۶۵
اتحادیه‌های تجاری		۵۶
سازمان‌های مردم‌نهاد		۵۵
اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی		۳۰
شرکت‌های حقوقی		۲۳

Source: Burson-Marsteller, 2009: 10-15; Burston-Marsteller, 2013: 8-14

آمار و ارقام بالا گویای این مطلب است که بازیگران غیردولتی به‌خوبی توانسته‌اند نقش و نفوذ خود را بر نهادهای تصمیم‌گیر و سیاست‌گذاران اروپایی تحمیل کرده و از وزنه‌ای قابل توجه برای تأثیرگذاری بر قوانین و تصمیمات بهره‌مند شوند که در این میان، تشکیلات تجاری و اقتصادی - به دلیل در اختیار داشتن منابع کافی، بودجه مناسب

و وزنه سیاسی قابل قبول- از جایگاه برتری در بین بازیگران غیردولتی برخوردار هستند (Rasmussen & Alexandrova, 2012: 618).

بُعد دیگر تأثیرگذاری بازیگران غیردولتی بر تصمیمات اتحادیه اروپایی معطوف به نهادهای اتحادیه است. اگرچه ماهیت طولانی، پیچیده و چندلایه فرایندهای اروپایی، نقاط دسترسی و نفوذ زیادی را پیش پای گروه‌های ذی‌نفوذ قرار داده و این امکان را فراهم ساخته است که این گروه‌ها و بازیگران غیردولتی از تحولات درونی اتحادیه اروپایی پیشاپیش مطلع شده و ترتیبات لازم را برای تحت تأثیر قرار دادن تصمیم‌گیران و مجریان اروپایی اتخاذ کنند (نیوجنت، ۱۳۸۴: ۴۱۷)، ولی چالش‌ها و مشکلاتی پیش روی بازیگران غیردولتی قرار دارد که از نفوذ پررنگ آن‌ها بر تصمیمات و قوانین اتحادیه می‌کاهد. به‌عنوان مثال، امکان دسترسی به شورای اروپایی (شورای سران اتحادیه اروپایی)، به‌عنوان ترسیم‌گر سیاست‌ها و اولویت‌های اتحادیه اروپایی، و شورای وزیران، به‌عنوان یکی از ارکان قانون‌گذاری و نماینده منافع دولت‌های ملی، از سوی گروه‌های لابی‌گر و بازیگران غیردولتی وجود ندارد، زیرا هیچ‌یک از این دو نهاد مایل نیستند خود را به‌عنوان یک موجودیت جمعی گاه‌وبیگاه در دسترس مستمر این گروه‌ها قرار دهند. معمولاً تنها راهی که یک بازیگر غیردولتی در قالب گروه ذی‌نفوذ/فشار می‌تواند از طریق آن امیدوار به برقراری ارتباط با شورای اروپایی یا شورای وزیران باشد، راه غیرمستقیم است؛ یعنی دولت یا دولت‌های عضو اتحادیه که از مسئله موردنظر حمایت می‌کنند، به نمایندگی از سوی آن‌ها در نهادهای اتحادیه عمل کنند. همچنین، این رویه می‌تواند برای بازیگران غیردولتی مستقر در کشورهای ثالث و خارج از اتحادیه که دسترسی به شورای اروپایی و یا شورای وزیران نیز ندارند، مؤثر واقع شود (Panke, 2012: 145). به عبارت دیگر، به‌دلیل ارجحیت موضوعات اقتصادی، تجاری و هنجاری در نهادهای فراملی، عملاً لابی‌هایی با محتوای سیاسی و دیپلماتیک در سطح اتحادیه وجود ندارد و این امر تنها از سوی دولت‌های عضو اتحادیه صورت می‌پذیرد، به این شکل که کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپایی با برقراری ارتباط با کشورهای عضو اتحادیه به چانه‌زنی پرداخته و در صورتی که موضوعات مطرح‌شده در راستای منافع ملی آن کشورهای عضو اتحادیه اروپایی باشد، آن‌ها در قامت یک لابی‌گر به ارائه موضوع در شورای وزیران یا شورای اروپایی پرداخته و برای تصویب آن، اقدام به لابی‌گری می‌کنند. در اثر فقدان دسترسی آسان به شورای اروپایی و شورای وزیران، کمیسیون اروپایی و پارلمان اروپایی، دو نهادی هستند که هدف اصلی بازیگران غیردولتی می‌باشند. کمیسیون اروپایی خود را در دسترس بازیگران غیردولتی قرار داده است، زیرا از طریق ارتباط با این گروه‌ها به اطلاعات تخصصی و دانش فنی که موردنیاز کمیسیون است

دست می‌یابد (Cirone, 2011: 19). از سوی دیگر، اگر کمیسیون با گروه‌های ذی‌نفع مشورت نکرده و نظر آن‌ها را جلب نکند و طرح‌ها و پیشنهادهایی را مطرح کند که مورد مخالفت کنش‌گران غیردولتی قرار گیرد، طرح مزبور احتمالاً با مخالفت شدید در سطح شورای وزیران روبه‌رو خواهد شد. درنهایت این که هنگامی که بازیگران غیردولتی با مواضع واحد و منسجم عمل کنند، کمک زیادی به کمیسیون اروپایی کرده‌اند، زیرا به آن‌ها اجازه داده‌اند به دیدگاه‌هایی که پیش از آن مورد توافق قرار گرفته‌اند، بپردازد و آن را قادر ساخته‌اند از گرفتار شدن در اختلاف‌های ایدئولوژیک و ملی میان گروه‌های بخشی مصون باشد (نیوجنت، ۱۳۸۴: ۴۱۹). به‌همین ترتیب، پارلمان اروپایی که طیف گسترده‌ای از اختیارات قانون‌گذاری را به‌کار می‌گیرد و تأثیرات بسیاری بر تصمیمات اتحادیه دارد، یکی از اهداف اصلی گروه‌های ذی‌نفع برای برقراری ارتباط با اعضای آن است. فقدان تخصص نمایندگان پارلمان اروپایی در تمامی موضوعات و عدم دسترسی به اطلاعات موردنیاز، تصمیم‌گیری نمایندگان را منوط به دسترسی به اطلاعات، گزارش‌ها و راهکارهای منابع خارجی همچون گروه‌های ذی‌نفع می‌کند (Marshall, 2012: 1389). در مقابل، نمایندگان پارلمان اروپایی نیز از ارائه گزارش‌ها و پیش‌نویس طرح‌ها به گروه‌های ذی‌نفع دریغ نکرده و حتی برای تسهیل ارتباط با یکدیگر به عضویت این گروه‌های ذی‌نفع نیز درمی‌آیند (Voltolini, 2013: 126).

در بیان تأثیر بازیگران غیردولتی بر فرایندهای اتحادیه اروپایی ابعاد مثبت و منفی گوناگونی وجود دارد که ازجمله جنبه‌های مثبت آن می‌توان به دو نکته اشاره کرد: نخست، فعالیت بازیگران غیردولتی از سویی دامنه مشارکت در مسائل اتحادیه اروپایی را وسعت می‌بخشد و از سوی دیگر، تضمین‌کننده این امر است که سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در این اتحادیه فقط در دست سیاست‌مداران و مقام‌های رسمی متمرکز نمی‌شود. دوم، گروه‌های ذی‌نفع/فشار می‌توانند با اطلاعات و دیدگاه‌های تخصصی خود مقام‌های اتحادیه اروپایی را در راستای ارتقای کیفیت و کارایی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌هایشان یاری دهند. مهم‌ترین جنبه منفی دخالت کنش‌گران غیردولتی در فرایندهای اتحادیه اروپایی این است که برخی از گروه‌های مزبور بسیار قدرتمندتر و صاحب‌نفوذتر از دیگر گروه‌ها هستند. این عدم تعادل، مسائلی را در زمینه احتمال تأثیرگذاری غیردموکراتیک و غیراصولی بر سیاست‌گذاری‌های اروپایی و هدایت آن‌ها به‌سوی جنبه‌های خاصی پدید می‌آورد (نیوجنت، ۱۳۸۴: ۴۲۸-۴۲۷).

صرف‌نظر از فواید و زیان‌های فعالیت بازیگران غیردولتی در قالب گروه‌های ذی‌نفع، اهمیت لابی‌گری گروه‌های اروپایی و غیراروپایی غیرقابل‌انکار است. لابی‌گران

غیردولتی در مرکز جریان اطلاعات کلیدی به داخل و خارج نهادهای اروپایی قرار دارند و از همان آغاز فرایند تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تا مرحله اجرا به اعمال نفوذ در آن می‌پردازند. لیکن، آنچه در این بین خلأ آن حس می‌شود، دو عامل "عدم حضور بازیگران غیردولتی ایرانی در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، تجاری، انرژی، سیاسی و امنیتی" و "عدم بهره‌گیری ایران از لابی‌گری کنش‌گران غیردولتی اروپایی" در سطح اتحادیه اروپایی است. هنگامی فقدان این دو مورد ملموس‌تر خواهد شد که مشاهده شود، چالش اصلی میان ایران و اتحادیه اروپایی که همانا پرونده هسته‌ای ایران است، مختومه شده و انتظار آن است که دو طرف شاهد بهبود روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود باشند. با این حال، شکل نگرفتن مفاهمه و درک صحیح دو طرف از یکدیگر، نه تنها دستیابی به هرگونه مناسبات روبه‌رشد اقتصادی و سیاسی را با مشکل روبه‌رو می‌کند، بلکه شکنندگی و تیرگی روابط در اثر اختلافات موضوعی میان ایران و اتحادیه اروپایی همواره محتمل خواهد بود.

۴. شکنندگی روابط میان ایران و اتحادیه اروپایی؛ علت و راهکار

به‌جز سال‌های جنگ تحمیلی که رویکرد جامعه اروپایی نسبت به ایران به‌دلیل شرایط حاکم بر نظام دوقطبی، با مواضع سرسختانه آمریکا هم‌سو بود، روابط جمهوری اسلامی و کشورهای عضو اتحادیه اروپایی همواره بر مدار یک مفهوم چرخیده است و آن "گفتگو" بوده است. این واژه که در مقابل "جنگ" و "تخاصم" قرار دارد، سیاستی نرم‌افزارانه است که به موجب اعلام "نظم نوین جهانی" از سوی آمریکا و در پی آن حضور همه‌جانبه این کشور در مناطق ژئواستراتژیک از جمله غرب آسیا و خلیج فارس نسبت به ایران اتخاذ شد و تا به امروز نیز ادامه دارد. اتحادیه اروپایی برای مقابله با سیاست استیلاجویانه آمریکا در منطقه نفت‌خیز خلیج فارس نیازمند شریکی بود که از توانمندی‌های لازم برخوردار باشد و تبدیل به شریکی راهبردی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و انرژی برای آن‌ها گردد. علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران، در این باره گفته بود: "اروپایی اگر بخواهد سیاستی مستقل در این منطقه حساس داشته باشد، تنها کشوری که باقی مانده و دیگران نفوذی در آن ندارند و مستقل است... ایران است" (به نقل از دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۱۵).

از سوی دیگر، نیاز به وام و سرمایه‌گذاری خارجی در امر سازندگی، فناوری‌های پیشرفته به‌ویژه در حوزه زیرساخت‌های انرژی و عامل متوازن‌کننده در برابر ایالات متحده به‌منظور خنثی‌سازی تحریم‌های اقتصادی، همگی توجه دولت‌مردان جمهوری اسلامی را به اتحادیه اروپایی معطوف ساخت. از این‌رو، دو طرف مشتاقانه بر شکل‌گیری

و استمرار "گفتگوهای فی‌مابین" برای نیل به اهداف موضوعی خود تأکید کردند. سیاست گفتگوی متقابل اتحادیه اروپایی و جمهوری اسلامی ایران از زمان روی کار آمدن رهبران و مقامات عمل‌گرا در قالب دولت سازندگی تاکنون در سه سطح انتقادی، جامع و مشروط ادامه داشته است.

با توجه به آنچه تاریخ بیش از دو دهه روابط ایران و اتحادیه اروپایی در قالب گفتگوهای انتقادی، جامع و مشروط به خود دیده است، می‌توان نتیجه گرفت که مناسبات سیاسی دوجانبه در عین استمرار، همواره دارای نوسانات و فرازونشیب‌های بسیاری بوده است؛ هرچند روابط تجاری-اقتصادی جز در سال‌های پایانی دولت احمدی‌نژاد، عمدتاً ثابت بوده است.

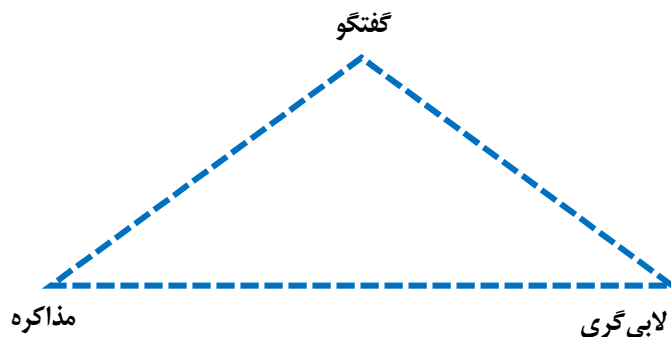
به نظر می‌رسد مشکلاتی که دو طرف از وجود آن رنج برده‌اند، در عمق روابط ایران و اتحادیه اروپایی ریشه دارد و ناشی از "عدم درک گفتمان‌ها" از سوی یکدیگر است. همچنین، اگر گامی در راستای رفع این مسئله برداشته شده، عمدتاً موقتی و به‌طورکامل در سطح دولتی بوده است که با تغییر دولت‌ها و شکل‌گیری خرده‌گفتمان‌های جدید در ایران و کشورهای عضو اتحادیه، روابط دستخوش تغییر شده و تلاش‌های پیشین برای اعتمادسازی و رفع نگرانی‌ها ناتمام رها شده است (جوادی، ۱۳۹۳: ۶-۷).

سید شمس‌الدین خارقانی، سفیر سابق ایران در آلمان، در ارزیابی خود از مشکل اصلی روابط ایران و اتحادیه اروپایی، ضمن ارائه پیشنهاد برای رفع این مشکل می‌نویسد: "مشکل اصلی در روابط جمهوری اسلامی با اتحادیه اروپایی در مفهوم "مفاهمه" نهفته است. به عبارت دیگر، طرفین درک مناسب و صحیحی از یکدیگر ندارند... اروپایی واقعیت اصلی ایران را نمی‌فهمد و در مقابل، ما نیز درک مناسبی از اتحادیه اروپایی و جایگاه آن نداریم. برطرف کردن مشکل اصلی (مشکل مفاهمه) در روابط ایران و اتحادیه اروپایی با گسترش ارتباطات، برطرف خواهد شد... اگر ارتباط میان ایران و اتحادیه اروپایی در حوزه‌های مختلف گسترش یابد، فهم طرفین از یکدیگر اصلاح خواهد شد و درک متقابلی که به واقعیت طرفین نزدیک‌تر است، صورت خواهد گرفت... برای برطرف کردن مشکل مفاهمه، راهی جز گسترش ارتباطات در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... با اتحادیه اروپایی وجود ندارد" (خارقانی، ۱۳۸۸: ۳۳۴-۳۳۳).

اگرچه خارقانی در ادامه ارزیابی خود، راهکارهایی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و سیاسی برای گسترش ارتباطات ایران و اتحادیه اروپایی ارائه کرده است، به نظر می‌رسد فعلیت یافتن راهکارهای مطرح‌شده و عملاً هرگونه راهکاری در راستای ترمیم و بهبود روابط، نیازمند ارتباطاتی و رای روابط رسمی نیز باشد. اتکای

صرف ایران به دیپلماسی دولتی برای بهبود مناسبات با اتحادیه اروپایی مانع آن می‌شود که روابط دوجانبه در شرایط بحرانی و غیردوستانه استمرار داشته باشد. از این‌رو، شایسته و بایسته است که کارگزاران دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در کنار "گفتگو" و "دیپلماسی"، توجه خاصی به امر "لابی‌گری" در سطح اتحادیه اروپایی داشته باشند.

شکل شماره (۱). عناصر مقوم در بهبود روابط ایران و اتحادیه اروپایی



عدم حضور لابی‌گری ایران در سطح اتحادیه اروپایی منجر به آن شده است که عرصه فعالیت برای گروه‌های مخالف و معاند جمهوری اسلامی ایران در نهادهای مختلف اتحادیه اروپایی مهیا شود. در حال حاضر، با توجه به آمار موجود در پورتال کمیسیون اروپایی، تنها پنج گروه ذی‌نفوذ/فشار ثبت‌شده در سطح اتحادیه اروپایی در حوزه مسائل ایران حضور دارند که همه آن‌ها به صورت رسمی و قانونی علیه امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در اتحادیه اروپایی مشغول به فعالیت هستند.

در واقع، در غیاب لابی‌گری ایران، این قبیل گروه‌های ذی‌نفوذ مخالف و احتمالاً تعداد دیگری از گروه‌های لابی‌گر که کماکان فعالیت خود را در پورتال کمیسیون ثبت نکرده‌اند، با ارائه اطلاعات غلط و مخدوش به نهادهای تصمیم‌گیر اتحادیه اروپایی، ضمن ایجاد هزینه برای جمهوری اسلامی ایران، در صدد تیرگی و سردی روابط ایران و اتحادیه اروپایی هستند.

جدول شماره (۵). گروه‌های ذی‌نفوذ فعال علیه ایران در اتحادیه اروپایی

نام گروه ثبت‌شده در پورتال مشترک کمیسیون/پارلمان اروپایی	حوزه فعالیت	دفتر اصلی	اقدامات در سطح نهادهای اتحادیه اروپایی
سازمان بین‌المللی صیانت از حقوق بشر در ایران	ارائه اطلاعات درباره نقض حقوق بشر در ایران	انگلستان	برگزاری نشست تخصصی با موضوع نقض حقوق بشر در ایران با حضور معاون کمیته امور ایران در پارلمان اروپایی
شورای ملی مقاومت ایران (گروهک منافقین)	ارائه اطلاعات درباره نقض حقوق بشر در ایران و برگزاری کمپین علیه برنامه هسته‌ای ایران	فرانسه	کمک به نمایندگان پارلمان اروپایی در برگزاری جلسات استماع درباره وضعیت ایران و کمپ "اشرف و آزادی" در عراق
کنگره جامعه دموکراتیک گرد در اروپا	تلاش در راستای همگرایی اکراد ترکیه، ایران، عراق و سوریه و شناسایی آن‌ها از سوی اتحادیه اروپایی به‌عنوان ملت واحد	بلژیک	برگزاری کنفرانس‌هایی با حضور "گروه دوستی اکراد در پارلمان اروپایی" و دیگر گروه‌های سیاسی پارلمان در مورد مهاجران، پناه‌جویان و حقوق انسانی اکراد
انجمن بین‌المللی وکلا و حقوق‌دانان یهودی	مبارزه حقوقی با نژادپرستی، یهودستیزی، منکران هولوکاست و تهدیدکنندگان منافع دولت اسرائیل	اسرائیل	برگزاری جلسات و ارسال نامه برای آگاهی‌بخشی به مقامات اتحادیه اروپایی درباره خطر ایران برای اسرائیل
اتحادیه بین‌المللی وکلا	حمایت از وکلای ممنوع‌الفعالیت در کشورهای مختلف از جمله ایران	فرانسه	ارسال نامه، ارائه اطلاعات به مقامات و نمایندگان اتحادیه اروپایی و نیز برگزاری جلسات تخصصی در مورد وضعیت وکلا در کشورهای مختلف از جمله ایران

Source: European Commission, 23 May 2015

از سوی دیگر، این احتمال قوی وجود دارد که فرصت نفوذ ایران در نهادهای اتحادیه همانند کشورهای دیگر به‌منظور ترغیب کارشناسان و سیاست‌گذاران اروپایی به تدوین طرح‌هایی مبنی بر سرمایه‌گذاری و بهبود روابط تجاری با بی‌توجهی به امر لابی‌گری از دست برود. به‌علاوه، همواره مواضع، دیدگاه و گفتمان ایران از سوی مقامات دولتی به اطلاع تصمیم‌گیران اتحادیه اروپایی رسیده است. از این‌رو، ایجاد گسست و شکاف احتمالی بین ایران و اتحادیه، بی‌اعتمادی و سوءظن تدریجی به‌وجود آورده و برقراری کانال ارتباطی با یکدیگر را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در صورتی که لابی‌گری فعالانه ایران در اتحادیه می‌تواند خلأهای سیاسی بین طرفین را پر کرده و راهکارهایی برای برون‌رفت از تنش‌ها و بهبود روابط در عرصه‌های مختلف ارائه دهد.

همان‌گونه که اشاره شد، عدم درک صحیح و مناسب ایران و اتحادیه اروپایی از گفتمان و منافع یکدیگر مانع شکل‌گیری روابط سیاسی و اقتصادی پایدار بین طرفین می‌شود که در راستای رفع این نقیصه بنیادین ضروری است سه رویکرد "گفتگو، دیپلماسی و لابی‌گری هدفمند" به‌صورت هم‌زمان از سوی ایران پیگیری شود. با این‌وجود، به‌نظر می‌رسد رویکرد لابی‌گری به‌عنوان یکی از عناصر مقوم بهبود روابط طرفین، مورد غفلت واقع شده است و در نتیجه نمی‌توان انتظار خاصی از استمرار گفتگوها و دیپلماسی رسمی بین ایران و اتحادیه بدون توجه به مقوله لابی‌گری در سطح بروکسل و نقش بازیگران غیردولتی در تحقق این مهم داشت.

از آنجا که نام هیچ گروهی در قالب بازیگر غیردولتی حامی منافع و سیاست‌های ایران در سامانه اینترنتی مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی ثبت نشده است، می‌توان این‌گونه استنباط کرد که جمهوری اسلامی ایران تاکنون به‌صورت منسجم و هدفمند از این امتیاز فراگیر و مشروع استفاده نکرده است. اگرچه لابی‌گری پراکنده و غیرمنسجم کارگزاران رسمی دستگاه سیاست خارجی ایران در سطح اتحادیه اروپایی دور از ذهن نیست، با این‌حال، همان‌گونه که اشاره شد، در حالی بازیگران غیردولتی ایرانی در سطح اتحادیه اروپایی حضور ندارند که گروه‌های مخالف و معاند ایران فعالانه در سطح اتحادیه مشغول به ارائه اطلاعات مخدوش و غلط به کارشناسان، مقامات و نمایندگان اتحادیه اروپایی هستند. توجه به این نکته حائز اهمیت است که تمرکز و توجه دولت‌مردان ایرانی به مقوله لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی به این معنا نیست که اهداف و منافع ایران از این روش به‌سهولت تأمین می‌شود، بلکه با برخورداری از استراتژی مدون و طولانی‌مدت در چگونگی ارتباط با اتحادیه اروپایی و تک‌تک کشورهای عضو، لابی‌گری صرفاً هموارکننده مسیر در دستیابی به منافع و اهداف ایران در اتحادیه خواهد بود.

با وجود این تفاسیر، تا زمانی که دو طرف درک صحیح و مناسبی از گفتمان، منافع مادی و رویکردهای یکدیگر نداشته باشند و به آن سطح از تفاهم مورد نیاز دست نیافته باشند، امکان لابی‌گری در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی بیهوده از سوی کشوری چون ایران که عمدتاً منافع و سیاست‌های آن در سطح منطقه و بین‌الملل با سیاست‌های اتحادیه اروپایی متفاوت است - بسیار دشوار خواهد بود. از این رو، در گام نخست، باید از بازیگران غیردولتی اروپایی استفاده شود که توانایی رفع این نقیصه را دارا هستند. به نظر می‌رسد، استفاده از قدرت نفوذ و لابی‌گری اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی در سطح اتحادیه اروپایی آغاز مناسبی بر شکل‌گیری مفاهمه و درک اتحادیه اروپایی از کنش‌های سیاسی ایران باشد.

به اختصار، در توضیح چرایی انتخاب اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی به‌عنوان لابی‌گران ایران در اتحادیه باید اشاره کرد که با وجود اینکه تنها نزدیک به هفت درصد از گروه‌های لابی‌گر در زمره اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی هستند، ولی به‌گواه آمار و ارقام ارائه شده در این پژوهش، دارای قدرت تأثیرگذاری سی درصدی بر تصمیمات و طرح‌های نهادهای اتحادیه اروپایی هستند که خود نشان از مقبولیت و باور به کارایی نسبی اتاق‌های فکر و نهادهای پژوهشی نزد نمایندگان و مقامات سیاسی دولت‌ها و اتحادیه اروپایی است. درحقیقت، بهره‌گیری ایران از اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی اروپایی به این دلیل حائز اهمیت است که این قبیل اتاق‌های فکر با تولید محتوا و ارائه اطلاعات متقن به کارشناسان در نهادهای مختلف اتحادیه اروپایی، از امکان تأثیرگذاری بر تصمیمات و پیش‌نویس طرح‌ها در بروکسل برخوردار هستند (Lindquist, 2001: 248). لذا با بهره‌گیری از نفوذ و جایگاه اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر اروپایی می‌توان به تدریج مشکل غامض و بنیادین "عدم مفاهمه میان ایران و اتحادیه اروپایی" را رفع کرد. اقداماتی از قبیل تبادل دانشجو و استاد، انجام پروژه‌های تحقیقاتی مشترک از سوی مؤسسات پژوهشی غیردولتی، برگزاری سمینار و همایش درباره موضوعات و مسائل مشترک در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، تسهیل همکاری‌های آکادمیک، حمایت مادی از مراکز تحقیقاتی و اندیشکده‌های اروپایی و مواردی از این قبیل موجب خواهد شد که اولاً اتاق‌های فکر، اندیشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی کشورهای عضو اتحادیه اروپایی درک درستی از گفتمان، منافع و رویکرد ایران به دست آورند، ثانیاً به نظر می‌رسد امکان تأثیرگذاری ایران بر مؤسسات پژوهشی آسان‌تر از دیگر گروه‌های لابی‌گر در مقطع کنونی باشد و ثالثاً کمک مادی به این قبیل مؤسسات می‌تواند وابستگی نسبی آن‌ها به ایران را در پی داشته باشد. در واقع بهره‌گیری ایران از مراکز تحقیقاتی اروپایی در طولانی مدت منجر به آن خواهد شد که پژوهش‌گران و محققان اندیشکده‌ها و مراکز

علمی اروپایی، ضمن پرهیز از توصیف مغرضانه از ایران در منشورات خود، تاحدامکان به‌صورت غیرمستقیم به‌عنوان یک لابی‌گر در راستای سیاست‌های ایران قلم بزنند. البته باید تأکید کرد که این امر فرایندی طولانی‌مدت بوده و نیازمند جلب اعتماد طرفین است، اما در صورت تحقق آن و شناخت دقیق و منصفانه طرف مقابل از مواضع ایران از طریق لابی‌گری مراکز پژوهشی اروپایی می‌توان واقع‌بینانه انتظار داشت که روابط فی‌مابین از قوام بیشتری برخوردار شود و به سطحی از مناسبات در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی برسد که عوامل داخلی و خارجی به‌راحتی موجب انقطاع آن نشوند. همچنین در مراحل بعدی می‌توان از حضور اندیشکده‌ها و مراکز تحقیقاتی ایرانی به‌عنوان بازیگران غیردولتی در سطح اتحادیه اروپایی نیز استفاده کرد. این مراکز پژوهشی می‌توانند با ارائه اطلاعات و راهکارهای لازم به کارشناسان، مقامات و نمایندگان اروپایی نه‌تنها سیاست‌های کلان ایران در سطح منطقه و بین‌الملل را تبیین کنند، بلکه در راستای بهبود و گسترش روابط ایران و اتحادیه در عرصه‌های گوناگون نیز گام بردارند.

نتیجه‌گیری

سه عامل پویایی، پیچیدگی نظام سیاسی و مبتنی‌بودن بر اجماع‌سازی باعث آن شده است که نقش بازیگران غیردولتی به‌عنوان لابی‌گر در نهادهای تصمیم‌گیر اتحادیه اروپایی به‌تدریج افزایش یابد تا از این طریق نیاز دوطرفه‌ای ایجاد شده و اتحادیه هم در مقابل، امتیازی دریافت کند. به‌عبارت دیگر، دسترسی گروه‌های ذی‌نفوذ/ذی‌نفع به مراکز تصمیم‌گیر در سطح اتحادیه اروپایی منوط به ارائه اطلاعات از سوی بازیگران غیردولتی است و اهمیت استمرار این رابطه باعث شده است که لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی مشروع و قانونی جلوه کند و حتی کمیسیون اروپا به‌سمت سازمان‌دهی آن حرکت کند.

از سوی دیگر، براساس آنچه گفته شد، به‌روشنی پیدا است که مشکل اصلی در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی، عدم درک مناسب و صحیح غرب از گفتمان و منافع اصولی ایران است؛ امری که فقدان آن سردی و شکنندگی مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در پی داشته و دارد. همچنین، تاریخ روابط ایران و اتحادیه اروپایی پس از انقلاب، گویای آن است که اتکای صرف ایران به "گفتگو" و "دیپلماسی دولتی" عاملی در راستای رفع مشکل فوق و به‌طورکلی، تأمین‌کننده منافع ایران در اتحادیه اروپایی نبوده است؛ لذا نوشتار حاضر درصدد بود با تبیین نظری و عملی لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی، این رویکرد غیررسمی را به دو رویکرد ثابت و

قدیمی ایران نسبت به اتحادیه اروپایی - که همان گفتگو و دیپلماسی است - اضافه کند تا از این رهگذر خون تازه‌ای در رگ‌های روابط جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپایی به جریان افتد و ایران نیز از فرصت موجود (لابی‌گری) در سطح بروکسل بهترین بهره‌برداری را داشته باشد.

پرسش اصلی که در این مقاله مطرح شد عبارت بود از اینکه چگونه ایران و اتحادیه اروپایی می‌توانند به فهم مشترک از چالش‌ها و فرصت‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یافته و روابط سیاسی، تجاری و امنیتی خود را بهبود بخشند. فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش اصلی طراحی شد، آن بود که در کنار توجه به دو رویکرد گفتگو و دیپلماسی دولتی، ایران نیازمند بهره‌گیری از لابی‌گری بازیگران غیردولتی (اعم از گروه‌های ذی‌نفوذ و گروه‌های فشار) در سطح اتحادیه اروپایی است. در بررسی فرضیه با توجه به نظریه "دسترسی" به موضوعاتی از قبیل جایگاه و اهمیت لابی‌گری اشاره شد و مشخص شد که گروه‌های ذی‌نفوذ در بروکسل حضور فعالی دارند؛ به‌گونه‌ای که از این شهر به‌عنوان "شهر بیشترین لابی‌ها" یاد شده است. همچنین نقش بازیگران غیردولتی در سطح اتحادیه اروپایی مورد توجه قرار گرفت و با ارائه آمار و ارقام برگرفته از نظرسنجی‌های جدید، این موضوع مورد مذاقه قرار گرفت که کنشگران غیردولتی در قامت گروه‌های ذی‌نفوذ/ذی‌نفع/فشار از اهمیت ویژه‌ای در سطح نهادهای اصلی اتحادیه اروپایی برخوردار هستند و چنین اهمیتی باعث شده است که کشورهای عضو و غیرعضو در اتحادیه اروپایی و حتی اعضای اتحادیه نیز از ظرفیت بازیگران غیردولتی در تأمین منافع خود در سطح اروپا استفاده کنند.

حضور گسترده گروه‌های لابی‌گر وابسته به دولت‌های غیرعضو در اتحادیه اروپایی بیانگر اهمیت قابل‌توجه لابی‌گری برای روابط خارجی کشورها با اتحادیه اروپایی است. باوجود چنین روندی در سطح اتحادیه، بررسی کیفیت و نوع رابطه و همکاری ایران با اتحادیه اروپایی گویای آن است که دیپلماسی دولتی و گفتگو از جایگاه ویژه‌ای در طول حدود سه دهه پس از انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. این درحالی است که در طول این سالیان نه‌تنها دولت، بلکه مؤسسات غیردولتی نیز هیچ توجهی به مقوله لابی‌گری در سطح اتحادیه اروپایی نداشته‌اند. فقدان لابی‌گری ایران در اتحادیه اروپایی باعث شده است که عناصر ضدایرانی (به حد توان) مبادرت به نفوذ در نهادهای تصمیم‌گیر اتحادیه کرده و با ارائه اطلاعات مخدوش و غلط و ترسیم تصویری منفی از ایران، تلاش‌های دیپلماتیک ایران در راستای ایجاد و بسط روابط همه‌جانبه با اتحادیه اروپایی را بی‌نتیجه سازند. به‌هرحال، آنچه این مقاله بر آن تأکید دارد، این موضوع است که حتی با دستیابی به توافق هسته‌ای، نمی‌توان انتظار شکوفایی روابط میان جمهوری اسلامی

ایران و اتحادیه اروپایی را داشت و این امر می‌تواند ناشی از علل گوناگونی از جمله سطح پایین روابط اقتصادی (عدم وابستگی متقابل اقتصادی)، اختلافات ایدئولوژیک، چالش‌های سیاسی، نگرانی‌های امنیتی و نظایر آن باشد. لذا ضروری است که جمهوری اسلامی ایران برای کاهش موارد منفی و تقویت نکات مثبت در روابط طرفین، اهتمام به ایجاد لابی قدرتمند و هدفمند در سطح اتحادیه اروپا داشته باشد.

همچنین در این مقاله اشاره شد که حضور ایران در سطح نهادهای اتحادیه اروپایی باید از طریق بازیگران غیردولتی به رسمیت شناخته شده از سوی کمیسیون اروپا باشد و با توجه به محدودیت‌های کنونی جمهوری اسلامی در بهبود روابط با اتحادیه اروپایی از یک سو، و ظرفیت‌های بازیگران غیردولتی در سطح اتحادیه اروپایی از سوی دیگر، در گام نخست، پیشنهاد همکاری ایران با اندیشکده‌ها و اتاق‌های فکر اروپایی مطرح شد تا از طریق گسترش تعامل دولت ایران با مؤسسات تحقیقاتی اروپایی که به نوعی وظیفه تغذیه فکری بدنه تصمیم‌گیر اتحادیه اروپایی را برعهده دارند، نخست بتوان از ایماژسازی منفی عناصر ضدایرانی در سطح اتحادیه اروپا کاست، دوم اتحادیه را به سمت فهم صحیح از رفتار، گفتمان و سیاست‌های اصولی نظام ایران در سطح منطقه و بین‌المللی آگاه و به تعبیری قانع ساخت و در نهایت اینکه بتوان طرفین را به بهبود و گسترش روابط همه‌جانبه بدون لحاظ کردن سیاسی‌کاری تشویق نمود. با توجه به آمار ارائه شده و ظرفیت‌های کنونی، اندیشکده‌های مستقر در اتحادیه اروپایی از این توانمندی برخوردارند که تمام اهداف یادشده را در صورت مدیریت صحیح و اتخاذ رویکرد "صبر استراتژیک" از سوی مجریان سیاست خارجی ایران محقق سازند و می‌توان به تحقق کامل آن‌ها در بلندمدت امیدوار بود.

یادداشت‌ها

۱. گفتگوهای انتقادی" و "گفتگوهای سازنده" در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۳، نمونه‌هایی از گفتگوی ایران و اتحادیه اروپایی بر سر مسائل مختلف در راستای درک هرچه بهتر طرفین از یکدیگر و در نتیجه گسترش روابط سیاسی و اقتصادی بوده است. گفتنی است، با وجود سردی روابط بین ایران و اتحادیه اروپایی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، کماکان شاهد گفتگو بین دو طرف بوده‌ایم که از آن با عنوان "گفتگوهای مشروط" یاد می‌شود.

۲. رویکرد دیپلماسی به فراخور موضوع، بین مقامات دولتی ایران و اتحادیه اروپایی در جریان بوده که گفتگوهای هسته‌ای بین ایران و تروئیکای اروپایی در اوایل دهه ۱۳۸۰ و همچنین مذاکرات هسته‌ای ایران با سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در قالب گروه ۳+۳ EU از سال ۱۳۸۵ تاکنون نمونه‌هایی از رویکرد دیپلماسی ایران با اتحادیه اروپایی است.

۳. به‌عنوان مثال، حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، در جلسه شورای اداری استان فارس مورخ ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴ اظهار داشت: "باید قبول کنیم که ما برای رونق اقتصادی کشور و تکمیل انبوه طرح‌های نیمه‌تمام، به سرمایه بسیار عظیمی نیاز داریم و رشد کشور بدون حضور سرمایه و تکنولوژی خارجی در آن حدی که مردم توقع دارند، بسیار دشوار است" (پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری ایران، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۴).
۴. گروه‌های ذی‌نفوذ و گروه‌های فشار از نظر تأثیرهای پنهانی و غیرمستقیم در قدرت تقریباً کارکرد مشابهی دارند، با این تفاوت که گروه‌های فشار (به‌عنوان یک زیرمجموعه گروه‌های ذی‌نفوذ) از خشونت و زور بهره می‌گیرند و شامل گروه‌های شغلی و گروه‌های ایدئولوژیک هستند. در این مقاله، از مفهوم بازیگر غیردولتی برای اشاره به گروه ذی‌نفع و گروه فشار استفاده شده است.
۵. برآوردهای جدید حاکی از آن است که بالغ بر ۶ هزار بنگاه لابی‌گری و دست‌کم ۳۰ هزار لابی‌گر صرفاً در سطح بروکسل، مقر اتحادیه اروپایی، مشغول به فعالیت هستند (Kura & et. al, 8 May 2014).
۶. از جمله این شرکت‌های اروپایی می‌توان به "بریتیش پترولیوم"، "توتال"، "رویال داچ شل"، "گروه ایرباس"، "گروه بی‌ام‌و"، "فیات"، "ولوو"، "فیلیپس"، "زیمنس"، "اریکسون"، "گروه خطوط هوایی بین‌المللی IAG" و "شرکت مخابراتی وودافون" اشاره داشت.
۷. آمار و ارقام مذکور تنها اشاره به بازیگران غیردولتی‌ای دارند که از طریق سامانه اینترنتی مشترک کمیسیون و پارلمان اروپایی، ثبت‌نام کرده و کد فعالیت دریافت کرده‌اند. لیکن، به دلیل عدم الزام به دریافت چنین کدی، برآورد می‌شود که تعداد بازیگران غیردولتی فعال در اتحادیه اروپایی چندین برابر ارقام ذکر شده باشند.
۸. مبنای انتخاب این کشورها، دو عامل "همجواری" و "روابط خاص سیاسی، اقتصادی و امنیتی" با ایران است.

منابع

الف) فارسی

- جوادی، محمود (۱۳۹۳)، "لابی‌گری در اتحادیه اروپایی"، گزارش شماره ۱۷، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خارقانی، شمس‌الدین (۱۳۸۸)، روابط ایران و اتحادیه اروپایی: قابلیت‌ها و محدودیت‌ها، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، (چاپ چهارم)، تهران: انتشارات سمت.

موسوی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۰)، "گروه‌های ذی‌نفوذ و تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپایی"، در: عبدالعلی قوام و داوود کیانی (ویراستاران)، **اتحادیه اروپایی؛ هویت، امنیت و سیاست**، (چاپ دوم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

موسوی شفائی، مسعود و حجر اردستانی (۱۳۹۳)، "نقش طبقه متوسط در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال ۲۸، شماره ۲، صص ۲۳۷-۲۶۳.

نیوجنت، نیل (۱۳۸۴)، **سیاست و حکومت در اتحادیه اروپا**، ترجمه محسن میردامادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

ب) انگلیسی

- Bosen, R. (2013, February 18), "EU Lobbyists Wield Their Influence in Brussels", **the Guardian**.
- Bouwen, P. (2002), "Corporate Lobbying in the European Union: The Logic of Access", **Journal of European Public Policy**, Vol. 9, No. 3, pp. 365–390.
- Burston-Marsteller (2009), "A Guide to Effective Lobbying in Europe", Retrieved 2015 May 5, in: www.oursocialmedia.com/wp-content/uploads/effective-lobbying_light_07102009.pdf.
- Burston-Marsteller (2013), "A Guide to Effective Lobbying in Europe", Retrieved 2015 April 9, in: lobbyingsurvey.burston-marsteller.com/wp-content/uploads/2013/05/european_lobbying_survey_2013.pdf.
- Chalmers, A. W. (2011), "Interests, Influence and Information: Comparing the Influence of Interest Groups in the European Union", **Journal of European Integration**, Vol. 33, No. 4, pp. 471–486.
- Coen, D (2007), **Lobbying in the European Union**, Brussels: European Parliament.
- Corporate Europe Observatory (2014), "The Fire Power of the Financial Lobby", Retrieved 2015 April 20, from: corporateeurope.org/sites/default/files/attachments/financial_lobby_report.pdf.
- Eising, R., & Lehringer, S. (2010), "Interests Group and the European Union", In: M. Cini & N. Perez-Solorzano (Eds.), **European Union Politics**, Oxford: Oxford University Press.
- Euractiv (2014, April 16), "EU Lobbyist Register to Become Mandatory By 2017", [News], Retrieved 2015 May 25, in: www.euractiv.com/sections/public-affairs/eu-lobbyist-register-become-mandatory-2017-301581.
- European Commission (2014), **How the European Union Works**, Luxembourg: Publications Office of the European Union.
- European Commission (2015, May 23), "Transparency Register", Retrieved 2015 May. 25, in: ec.europa.eu/transparencyregister/public/homePage.do.

European Commission (2015, February 26), "Human Resources Key Figures", Retrieved 2015 May 3, in: ec.europa.eu/civil_service/docs/hrkey_figures_en.pdf.

European Commission (2014, September 9), "Bilateral Trade Relations: Iran", Retrieved 2015 April 24, in: ec.europa.eu/trade/policy/countries-and-regions/countries/iran/.

European Round Table of Industries (2014), "EU Industrial Renaissance: ERT Agenda for Action 2014-2019", Retrieved 2015 April. 20, in: www.ert.eu/sites/default/files.

Klüver, H. (2013), **Lobbying in the European Union: Interest Groups, Lobbying Coalitions and Policy Change**, Oxford: Oxford University Press.

Lindquist, E. (2001), "Think Tanks and the Ecology of Policy Inquiry", In: D. Stone (Ed.), **Banking on Knowledge: The Genesis of the Global Development Network**, London: Routledge.

Marshall, D. (2012), "Do Rapporteur Receive Independent Policy Advice? Indirect Lobbying via the European Parliament's Committee Secretariat", **Journal of European Public Policy**, Vol. 19, No. 9, pp. 1377-1395.

Nugent, N. (2010), **the Government and Politics of the European Union**, (7th ed.), New York: Palgrave Macmillan.

Panke, D. (2012), "Lobbying Institutional Key Players: How States Seek to Influence the European Commission, the Council Presidency and the European Parliament", **Journal of Common Market Studies**, Vol. 50, No. 1, pp. 129-150.

Rasmussen, A. & P.Alexandrova, (2012), "Foreign Interests Lobbying Brussels: Participation of non-EU Members in Commission Consultations", **Journal of Common Market Studies**, Vol. 50, No. 4, pp. 614-631.

Saurugger, S. (2010), "The Social Construction of the Participatory Turn: The Emergence of a Norm in the European Union", **European Journal of Political Research**, Vol. 49, No. 4, pp. 471-495.

Traynor, I. (2014, May 8), "30,000 Lobbyists And Counting: Is Brussels Under Corporate Sway?" Deutsche Welle, Retrieved 2015 April 20, in: www.theguardian.com/world/2014/may/08/lobbyists-european-parliament-brussels-corporate.

Voltolini, B. (2013), **Lobbying In EU Foreign Policy-Making towards the Israeli-Palestinian Conflict: Exploring the Potential of a Constructivist Perspective**, Thesis, London: London School of Economics and Political Science.